

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد
بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد حیدر اختر
۰۷ اگست ۲۰۱۵

ملا محمد عمر آخندزاده کی بود؟

(مرور مختصری بر زندگی و جنایات تروریستی اش)

نام ملا محمد عمر در دوران مقاومت و جهاد علیه نیروهای تجاوزگر شوروی سابق و رژیم دست نشانده آن، چندان شناخته شده نبود. شاید نام و چهره اش در بین بعضی از قومندانان جهادی سابق به خصوص در ولایت قندهار آشنا بوده باشد.

محل تولد و جای بود و باش ملا عمر نیز دقیق نیست. طالبان به این عقیده هستند که ملا عمر در سال ۱۹۶۰ در ولسوالی خاکریز ولایت قندهار متولد شده ولی بعضاً گفته شده که ملا عمر در سال ۱۹۵۹ در قریه نوده ولایت قندهار به دنیا آمده است. این هم گفته شده است که وی تحصیلات اکادمیک و مکتبی نداشته، صرف آموزش مسایل فقهی و دینی را در یک مدرسه دینی ارزگان سپری کرده است. هنوز آموزش آن مدرسه را هم به پایان نرسانیده بود یا به اصطلاح ملا نشده بود و طالب بچه ای بیش نبود که به جنگ علیه نیروهای اتحاد جماهیر شوروی سابق که در سال ۱۹۷۹ وارد افغانستان شده بودند به صفوف مجاهدین پیوست و در تنظیم مولوی محمد یونس خالص و تحت نظر قومندان ملا نیک محمد جذب شد.



تا زمانی که نیروهای شوروی سابق ناگزیر شد در سال ۱۹۸۹ میلادی از افغانستان خارج شوند، ملا عمر مانند دیگر مجاهدین که از حمایت ایالات متحده آمریکا، پاکستان و کشورهای عربی برخوردار بودند، علیه حکومت داکتر نجیب الله جنگید. سرانجام حکومت داکتر نجیب الله آخرین مهره شوروی سابق در سال ۱۹۹۲ در آستانه سقوط قرار گرفت و سرنگون شد.

بعد از سقوط رژیم دست نشانده شوروی تنظیم های جهادی قدرت را به دست گرفته، دیری نگذشت که جنگ قدرت میان تنظیم های جهادی سابق آغاز گردید، و شهر کابل میدان جنگ میان تنظیم جمعیت "شورای نظار"، وحدت، جنبش شمال و تنظیم گلبدین حکمتیار "حزب اسلامی" گردید. در اثر آن تعداد فراوان از مردم

بیگناه به شهادت رسیده و به اثر باران راکت گلبدین حکمتیار، شهر کابل به یک شهر سوخته و ویران مبدل گردید و تمام هست و بود افغانستان در بازارهای پاکستان به فروش رسید.

جنگ بین تنظیم های جهادی سابق که باخسونت های خونین، چورو چپاول اموال عامه و ملکیت های شخصی، دست درازی به نوامیس مردم، راه گیری، باج گیری ها و ساختن پاتک ها را در پی داشت، مشکلات فراوانی را برای شهروندان افغانستان به میان آورده بود، که ظهور و پیدایش طالبان رابا خوشی استقبال نمودند زیرا حرکت طالبان با ازبین بردن پاتک های مجاهدین سابق که باعث رنج و عذاب عبور و مرور مردم گردیده بود شروع و در زمستان سال ۱۹۹۴ میلادی از طریق سرحد سپین بولدک داخل خاک افغانستان گردیده و با فتح قندهار به یک نیروی قوی عرض اندام نمود.

اطلاعات ثقه و اسناد نشان دادند که، ظهور طالبان به اساس یک پلان کاملاً تنظیم شده بین کشورهای افغانستان



منافع مشترک داشتند صورت گرفت. این موضوع را خانم بینظیر بوتو صدراعظم وقت پاکستان طی مصاحبه ای با کانال (سی ای ان) اعتراف نمود که، در ساختار طالبان دست کشور های امریکا، عربستان، انگلستان و پاکستان دخیل بود. پاکستان می خواست از یکطرف افرادی در

افغانستان به قدرت برسند که، سرتاپا مطیع و فرمان بردارشان باشند و از جانی هم راه تجارتی پاکستان به کشور های آسیای میانه بدون پرداخت حق العبور هموار گردد. با موافقت امریکا، دوشرکت بزرگ نفتی (یونیکال وبریداس) خواهان امداد لوله نفت از ترکمنستان، از طریق افغانستان به پاکستان بود تا دست آزاد به دریافت نفت داشته باشد، و نمی خواست این لوله نفتی از طریق کشور ایران عبور نماید. سازمان جاسوسی پاکستان یعنی (آی اس آی) و وزیر داخله پاکستان نصیر الله بابر با همکاری مولوی فضل الرحمن رهبر جماعت اسلامی پاکستان، به منسجم ساختن طلبه ها از مدارس پاکستان پرداخته و گروه طالبان را تشکیل داده و نظامی های (آی اس آی) نیز قومنده طالبان را به دست گرفت.

قسمی که گفته آمدیم، گروه طالبان از طریق سپین بولدک داخل قندهار شده، بعد از تسخیر قندهار راه کابل را در پیش گرفتند و به سرعت تمام مناطق را یکی پی دیگر با همکاری بعضی از تنظیم های جهادی، به خصوص تنظیم گلبدین حکمتیار که وابستگی عام و تام به (آی اس آی) پاکستان داشت و دارد، در تصرف خویش در آوردند.

گروه طالبان با حمایت (آی اس آی) پاکستان، و نیروی های نظامی آن کشور و بعضی از اعضای شاخه خلق باند به اصطلاح دموکراتیک خلق افغانستان، در سال ۱۹۹۶ میلادی کنترل کابل را به دست گرفت. در اولین اقدام داکتر نجیب الله، رئیس جمهور اسبق افغانستان و برادرش را از دفتر ملل متحد خارج ساخته به قتل رساندند. جنگجویان طالبان که "امارت اسلامی طالبان" را تشکیل داده بودند، طی جلسه ای رهبر شان را یعنی ملا محمد عمر را امیر المؤمنین لقب دادند.

گروه طالبان ظاهراً زیر حاکمیت ملا عمر، اما در واقع با نظارت مستقیم پاکستان، تا سال ۱۹۹۸ میلادی در حدود نود درصد خاک افغانستان را زیر کنترل خود در آورد و برداشت سخت گیرانه خود از شریعت اسلامی را نافذ کرد.

گروه طالبان با تصرف کابل به نقض حقوق بشر و قتل عام، آتش زدن به مزارع و تاک های انگور شمالی، کوچ دادن اجباری مردم شمالی از خانه و کاشانه های شان و هم قتل عام در شمال افغانستان، متهم شد. حقوق ابتدائی زنان و

دختران به شمول کار در بیرون از خانه و رفتن به مکتب از آن‌ها گرفته شد. دروازه های مکاتب مسدود گردید، سازو آواز و موسیقی را حرام اعلام و تلویزیون ها به پایه های برق آویزان شد، آنچه که به نام فرهنگ وجود داشت همه از بین رفت. از همه مهمتر در زمان زمامداری ملا عمر بود که افغانستان تبدیل به پناهگاه امن القاعده گردید. ظاهراً اسامه بن لادن، رهبر مقتول شبکه القاعده در قندهار زندگی می‌کرد، و رابطه ای نزدیک و حتی خویشاوندی با ملا عمر برقرار کرد.

ارتباط ملا عمر با القاعده و رهبر سابق آن برای گروه طالبان حیاتی بود، زیرا القاعده در بدل به دست آوردن پناهگاه، به رژیم طالبان کمک مالی فراهم می‌کرد. بعد از این که حملات یازدهم سپتمبر ۲۰۰۱ میلادی در امریکا اتفاق افتاد، و امریکا اسامه بن لادن را مسؤول حادثه تروریستی دانست، ایالات متحده خواستار تسلیمی بن لادن از ملا عمر شد. ملا عمر به این تقاضای امریکا پاسخ منفی داد و در نتیجه، ایالات متحده امریکا علیه رژیم طالبان در افغانستان حمله کرد که سرآغاز یک جنگ طولانی دیگر برای ملا عمر و افرادش به وجود آمد.

بعد از حمله امریکا علیه طالبان و القاعده در افغانستان در سال ۲۰۰۱ میلادی، رژیم طالبان در افغانستان سقوط نموده و ملا عمر و سران گروه طالبان به مناطق قبایلی پاکستان فرار کردند. ظاهراً او از آن جا حملات علیه نیروهای ناتو، امریکائی و افغانستان را سازمان‌دهی می‌کرد.

ملا محمد عمر برای بقای خویش اتحادی را با دیگر گروه‌های ملیشه‌ئی، مانند شبکه حقانی و تحریک طالبان پاکستانی ایجاد کرده و "شورای کویت" نیز تشکیل گردید. این شبکه تروریستی فعالیت‌های طالبان را در افغانستان سازمان‌دهی می‌کند. ملا عمر از حمایت قوی سازمان استخبارات نظامی پاکستان (آی اس آی) برخوردار بود. این سازمان جاسوسی از گروه طالبان به عنوان نایب خود در مقابل با نفوذ هندوستان در افغانستان استفاده کرده و می‌کند.

نیروهای ملا عمر بعد از سال ۲۰۰۱ میلادی نظر به هدایت (آی اس آی) پاکستان، تاکتیک جنگی اش را به اعمال تروریستی تغییر داده و غالباً حملات انتحاری انجام داده و می‌دهند یا مواد انفجاری را در کنار جاده‌ها جاسازی می‌کنند. این حملات طالبان مسؤول بخش اکثر تلفات مردم بی گناه و بی دفاع و قوای امنیتی افغانستان و نیروهای خارجی بوده است.

حکومت افغانستان برای چندین سال متوالی ملا عمر را به بازگشت به میز مذاکره برای حل منازعه افغانستان دعوت کرد، اما هیچ گاهی پاسخ مثبت او را دریافت نکرد. در پیام‌های منتسب به ملا عمر تأکید می‌شد که جنگ تا زمان خروج نیروهای خارجی جریان دارد، حاضر به مذاکره نمی‌شوند.

بالاخره اوضاع تغییر کرده و بخشی از طالبان حاضر شدند با نماینده های دولت افغانستان به میز مذاکره بنشینند. هنوز چند دور از مذاکره صورت نگرفته بود که دفعه‌تاً خبر مرگ و یا کشته شدن ملا محمد عمر رهبر طالبان از طریق رسانه ها انتشار یافت.

همان قسم که زندگی جنایت بار ملا محمد عمر درخفا گذشت خبر مرگش هم کدام تأثیری برای مردم افغانستان نداشت. زیرا تاکنون خبر موثقی که بتواند مرگ او را تثبیت کند که در چه زمانی صورت گرفته انتشار نیافته است. در گزارشی آمده است که ملا محمد عمر در ماه اپریل ۲۰۱۳ میلادی توسط ملا اختر محمد منصور به قتل رسیده است و بعداً خبری انتشار یافت که وی دو سال قبل در یکی از بیمارستان های شهر کراچی پاکستان در گذشته است. ذبیح الله مجاهد که به اصطلاح سخن گوی طالبان خود را معرفی می‌کند خبر مرگ ملا محمد عمر را تأیید کرده ولی نمی‌گوید که ملا عمر چه وقت و در کجا از بین رفته است.

اگر واقعاً ملا محمد عمر در ماه اپریل ۲۰۱۳ میلادی در گذشته باشد برای دولت حامد کرزی و اشرف غنی احمدزی بسیار خجالت آور خواهد بود، که با داشتن همه امکانات امنیتی دم و دستگاه، آرگاه و بارگاه، و به خصوص افراد طالبان

که در دورو پیش شان قرار داشته و دریک غوری نان می خوردند، نتوانستند ازمرگ ملا عمر اطلاع حاصل نمایند. ولی درمقابل حکومت پاکستان با زرنگی توانست از نام ملامحمد عمر از افغانستان و جامعه جهانی استفاده نماید. از افغانستان به خاطر روند صلح و رفت و آمد نماینده هائی به نام ملاعمر درکابل، وازجامعه جهانی به نام مقابله با دهشت افگنی و تروریزیم سرمایه هنگفتی دریافت کرده است .

از همه بدتر این که محمد اشرف غنی بعد از ادای نماز عید با عذر وزاری از پیام دوستانه ملاعمر تمجید و سپاسگزاری نمود. درحالی که ملامحمد عمری در دنیا وجود ظاهری نداشت .

خبر در گذشت ملا محمد عمر برای اکثر مردم افغانستان به هیچ صورت تأثیری را به بار نیاورده است اما برای طرفداران طالبان به خصوص ارگ نشینان کابل خبرخوشی نبود. این که چرا تاکنون اشرف غنی ویاران و دارو دسته اش سه روز ماتم ملی را در افغانستان اعلام نکردند و بیرق های افغانستان را برای قاتل هزاران هموطن ما نیم افراشته نساختند، سوال برانگیز است.